

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۱۲ جنوری ۲۰۱۵

مهر شفتین

دوست نازنین و همنام، جناب الحاج ناظم صاحب "باختری"، که اشعار آبدارشان روزمره اوراق پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را مزین میگرداند، ضمن پارچه شعر خود که زیر عنوان "مولا علی" نوشته و در صفحه دیروزی پورتال نشر کردند، از شعرای گرانمایه پورتال؛ جناب فخرالشعراء و ملک الشعراء استاد محمد نسیم "اسیر" و شاعر بزرگوار و عالیمقام محترم تیموری صاحب، خواهش نموده اند، تا در زمینه شعری بگویند. ایشان مرا نیز در همین زمره شمرده و مخاطبم ساخته اند. اینک ندای آن دوست عزیز را لیبیک گفته و رباعی را تقدیم میکنم، که اگر در مفهوم با مفاد شعر معروف جامی و رباعی ناظم صاحب باختری هماهنگی ندارد، اما کلمات خاص مد نظر را در هر صورت در بر دارد.

تا چند بگوئیم، که بین الجبلین یا این که نویسیم ز موج ثقلین
نی فکر نجف میکن و نی فکر عدن گر مهر محبت بدمد از شفتین

پیش از شرح شعر و خصوصاً تفسیر مصراع چارم، چند لغت را شرح میدهم:
– بین الجبلین: یعنی "بین دو کوه"؛ و احتمالاً مراد از دو کوه یا تپه "صفا" و "مروه" باشد، که در نزدیک خانه کعبه قرار دارند و فاصله بین آنها حدوداً سه صد متر است و هر حاجی باید به خاطر مناسک حج، هفت مرتبه این فاصله را با حرکت سریع یا "هروله" – که در اصطلاح امروزی "جاگنگ" Jogging خوانده میشود؛ کلمه انگریزی – طی بکند. در عربی این عمل را "سعی" نامند، چه کلمه "سعی" اصلاً در معنای "حرکت کردن" است.

چون در منابع دستداشته و حتی گوگل، تشخیص مناسبی برای ترکیب "بین الجبلین" نیافتم، احتمال فوق را دادم؛ شاید هم قرین صواب نباشد. شاید هم "بین الجبلین" در نجف و یا خود نجف باشد.

– **ثقلین** : (به فتح سه حرف اول و سکون چارم) کلمه عربی و مراد از آن "انس و جن" است، این کلمه تثنیه است و معادل "ثَقْلَان". و ترکیب "سیدالثقلین" یا "سید ثقلین" را که به پیغمبر اسلام داده اند، در معنای "سردار انس و جن" است.

– **مهر** : به کسر میم در زبان دری افغانستان در دو معنی استعمال میگردد؛ یکی در معنای "آفتاب" یا "خورشید" و دگر در معنای "محبت". در مصراع چارم این رباعی، ترکیب اضافی "مهر محبت" را به کار برده ام، که مراد "آفتاب محبت" است.

– **شفّین** : (به فتح سه حرف اول و سکون چارم) تثنیه کلمه عربی "شفه" است و "شفه" به فحّشین در معنای "لب"؛ پس "شفّین" به معنای "دو لب" است. البته "شفّان" هم تثنیه "شفه" و معادل "شفّین" است.

تفسیر مصراع آخر:

مصراع آخر به شکل سمبولیک، دمیدن خورشید محبت را از "دو لب" نمایش میدهد، و مراد از آن سخن خوش و ارزنده و نکو ست، که میتواند از دهان کسی برآید و عالمی را به هم پیوند زند و والّه و مفتون یکدگر گرداند. البته از مجرای دهن و از خلال دو لب، سخنان زشت و مُخَرَّب هم میتواند بدر شود و همه چیز را منقلب سازد. اما درینجا مراد از سخن شایسته و نیکو ست؛ یعنی سخنی، که الفت و محبت و دوستی را بین آدمیزادگان تبلیغ و تقویت و تشیّد نماید.